

# سیری در زندگی سیاسی فرهنگی حجت‌الاسلام و المسلمین سید عبدالحمید مولانا مؤسس انتشارات دارالفکر قم

قاسم تبریزی

## سیری کوتاه در زندگی

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالحمید مولانا مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالحمید مولانا مؤسس انتشارات دارالفکر و از روحانیان مبارز در سال ۱۳۰۱ در خانواده‌ای روحانی در شهر تویسرکان دیده به جهان گشود. در دوران طفولیت از نعمت پدر محروم، مادر سرپرستی فرزند را عهده‌دار گردید. تحصیلات اولیه علوم اسلامی را در زادگاه پایان رساند. برای ادامه تحصیل راهی تهران و در مدرسه آیت‌الله برهان، در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی (س) مشغول تحصیلات عالی شدند. پس از مدتی به قم مهاجرت و در درس اساتید بزرگ حوزه حضرات آیات عظام: حجت، سلطانی، امام خمینی، علامه سید محمد حسین طباطبائی حاضر شدند. در دوران نهضت ملی شدن نفت، ایشان از مدافعان آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی بودند. با آغاز نهضت امام خمینی در مبارزه علیه رژیم ستم شاهی همواره حضوری مستمر داشته، بارها احضار، زندان، بازجویی، تبعید ... را تحمل و تا فروپاشی رژیم از پای ننشستند.





به مناسبت نهمین سالگرد رحلت عالم ربانی  
«حضرت حجة الاسلام والمسلمین»  
**حاج سید عبدالحمید مولانا**

در کنار تحصیل و تدریس فعالیت فرهنگی، نشر و پخش کتاب را آغاز و بیش از ۲۰ سال آثاری در قلمرو فرهنگ و سیاست چاپ و نشر نمودند. آثار فقهی و سیاسی امام و دیاو حتماً در شمار روحانیون «ممنوع‌المنبر» نیز بودند.

همکاری و همراهی با ناشران قم و شهرهای دیگر، خصوصاً تهران در چاپ و پخش کتب اسلامی، سبب آشنائی نزدیک با ایشان گردید. در ابتدا قصد داشتیم فقط به خاطرات و بیاد مانده‌ها اکتفا نماییم، اما اسنادی که فرزندش آقا سید مهدی مولانا که به دلیل آشنائی با مرحوم پدرشان، ایشان را هم می‌شناختیم (البته آن دوران ایشان نوجوان بودند) مجموعه اسناد را مناسب دیدم، گرچه تمامی اسناد یا به تعبیر دیگر پرونده کامل ایشان نیست و به تدوین آن قناعت نموده،

چند خاطره و یادداشت بر آن افزودم.

مرحوم مولانا در سال ۱۳۷۵ پس از اندک زمانی کسالت در هشتم آبان برحمت حق پیوست و در قم، قبرستان ابوحسین بخاک سپرده شد، عاش سعیدا و مات سعیدا.

با آن که چند بار کتابخانه ایشان مورد یورش ساواک قرار گرفت، اما حدود ۴۰۰۰ جلد کتاب علمی و نفیس در کتابخانه شخصی داشت که به کتابخانه آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی وقف نمود. و این گونه عالمی صالح و صادق که عمری در راه خدمت به اسلام، جامعه اسلامی، فرهنگ اسلامی است این مرز و بوم در برابر استبداد و استثمار ایستاد و از حریم و حرم مسلمین دفاع نمود، نزدیک به هفتاد سال عمر با برکت، همراه با خدمت را بی پایان رساند. و اینک فرزندش ادامه دهنده راه پدر در نشر معارف اسلامی که توانسته در طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۷ افزون از ۱۰۰۰ عنوان کتاب منتشر و یکی از ناشران موفق باشد. امید است با چاپ و نشر کتب اسلامی با کیفیت و کمیت مطلوب راه پدر را ادامه دهد.

۸۸/۲/۲۴

مرحوم مولانا از آغاز نهضت امام خمینی جزو فعالان سیاسی بود. انتشار کتب، ارتباط با شخصیت‌های سیاسی در قم، تهران، مشهد، اصفهان ... حساسیت ساواک نسبت به ایشان را بالا برد. در سال ۱۳۴۷ احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. خصوصاً کتب ممنوعه از نظر مقامات امنیتی را چاپ، منتشر، پخش می‌نمود. آشنائی ام از سال‌های ۱۳۴۸ و ارتباط از سال‌های ۱۳۵۰ هنگامی که در مؤسسه بعثت مشغول کار شدم، خصوصاً مرحوم استاد فخرالدین حجازی با ایشان مرتبط بودند. چندین بار باتفاق آقای حجازی و برخی از دوستان به منزل ایشان هم رفتیم. از وضع سیاسی، اوضاع حوزه، فعالیت طلاب، حساسیت ساواک، فشار بر روحانیون مدافع امام خمینی صحبت می‌نمودند. انتشار کتب ولایت فقیه، جهاد اکبر، پخش اعلامیه‌ها، همکاری با مرحوم آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی و ... باعث دستگیری و تبعید ایشان در مرداد ۱۳۵۲ شد. در اواخر همین ماه بود که ایشان محکوم به اقامت اجباری یا تبعید به تفت کرمان شد. گرچه در همین

زمان بیش از ۲۰ روحانی، مدرس بزرگ حوزه جزو تبعیدشدگان بودند. حجت الاسلام واعظ عبائی، آیت الله شیخ عباس محفوظی، حجت الاسلام عبدالمجید معادینخواه، آیت الله محمد یزدی، مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی... که هر کدام توسط ساواک به منطقه‌ئی تبعید شدند.

وضعیت آب و هوای کرمان، خصوصاً تفت باعث بیماری ایشان شد. از سوی دیگر [با وجود] مشکلات زندگی و وضعیت اقتصادی خانوادگی ایشان، خصوصاً مرحوم مولانا از سهم مبارک امام (ع) استفاده نمی‌نمودند. فلذا آقای محمد محمدی اردهالی مدیر انتشارات محمدی در تهران با فداکاری و روش پسندیده‌ای که همواره داشته و دارند، در کمک به ایشان کوتاهی ننموده، علاوه بر آن که در فروش و پخش کتب منتشره دارالفکر تلاش می‌نمودند از راه‌های دیگر هم تا حدی رفع مشکل نمودند. با آن که خود ایشان در خطر بوده، ولی شجاعت، صداقت و اصل برادری را بجای آوردند، البته ناشران دیگر هم تا آن جا که امکان داشت، کتب ایشان را پخش می‌کردند. خصوصاً در دوران تبعید سه سال آخر که در محدودیت بودند.

خود ایشان می‌گفتند: «در موقع اقامت در تفت حق تدریس، سخنرانی، شرکت در مجالس عمومی نداشتم و ساواک دستور داده بود شدیداً جلوگیری نمایند و حتی اجازه دایر نمودن کلاس درس و بحث هم نداشتم».

ساواک در مورد علمای تبعیدی آن دوران به شرکت‌های مسافری هم دستور داده بود، به این افراد (شاید لیست داده بود) بلیط نفروشنند. در همان زمانی که محکومین همه به تبعیدگاه رفته بودند آیت الله ربانی شیرازی که یکی از مرتبیین با موضوع بودند و از مدرسین برجسته حوزه و مدافعان نهضت امام خمینی در زندان تحت بازجویی شدید قرار داشت.<sup>۱</sup>

چندی قبل که با فرزند ایشان (آقا مهدی مولانا از ناشران متعهد و ادامه دهنده راه پدرش) درباره مرحوم مولانا صحبت می‌کردیم، وی مجموعه‌ای از اسناد ساواک، شهربانی... را بمن داد. در این اسناد هم به نکات مهمی برخوردم، از جمله در شهریور ۱۳۵۲ تبعید ایشان را به رفسنجان به مدت سه سال نوشته بود.<sup>۲</sup> گر چه خود ایشان بر ایمان از تفت صحبت می‌کرد. در صورتی که در گزارش ۲۸ شهریور آمده است در اجرای اوامر صادره اقدامات لازم معمول و عبدالحمید مولانا محکوم به اقامت اجباری در تفت یزد، اسکان یافته و تحت مراقبت قرار گرفته است. و ایشان با تلفن‌های شماره ... تماس گرفته و دوباره به تفت مراجعت کرده است.<sup>۳</sup> پرویز ثابتی از چهره‌های وابسته به حزب بهائیت و مدیر کل اداره سَوم ساواک در پاسخ به اداره کل ساواک یزد می‌نویسد: «دستور فرماید ضمن مراقبت کامل از اعمال و رفتار نامبرده بالا تذکرات لازم بوی داده شود تا چنانچه در آینده محل اقامت اجباری خود را ترک و به یزد مسافرت نماید این موضوع ترک منطقه محسوب و برای بار اول به سه ماه زندان محکوم و در صورت تکرار تصمیمات شدیدتری درباره‌اش اتخاذ خواهد شد و از نتیجه این اداره کل را آگاه سازند»<sup>۴</sup> در این که آیا این تمامی اسناد بود که آقا مهدی مولانا در اختیار گذاشت یا بخشی از آن، نمیدانم، ولی بهر صورت باید در بخش خدمات ناشران اسلامی در دوران ستم‌شاهی کاری صورت گیرد. خصوصاً آن دسته که فعالیت سیاسی انقلابی داشتند، ثبت و ضبط

گردند؛ هم‌چون انتشارات پیام اسلام، انتشارات قائم اصفهان، انتشارات دارالفکر قم / انتشارات اسلامی تهران / کانون انتشار تهران ...

در سندی که از ساواک قم به تهران ارسال شده است، ارتباط مرحوم مولانا با آیت‌الله احمد آذری قمی که به تعبیر ساواک از محکومینی دیگر می‌باشد، خبر می‌دهد. در این میان شخصی بنام علی‌گل میرزائی کارمند اداره آموزش و پرورش قم که اهل توپسرکان و با مولانا همشهری است، ارتباط مولانا با شیخ احمد بیگدلی آذری [از مدرسین حوزه علمیه قم و مؤسس انتشارات دارالعلم قم.] از نظر ستاد مشخص است. و این را منبع نفوذ ساواک اطلاع داده است.<sup>۵</sup> گرچه قصد من فقط خاطراتی از مرحوم مولانا و فعالیت‌های ایشان بود، اما اسنادی که بدستم رسید هم کار را آسان نمود که مستند بنویسم. و هم مشکل کرد که از حد خاطرات گذشت و به نوعی به فعالیت پنهان و گسترده ایشان اشاره می‌شود (البته تمام اسناد بدستم نرسید!) اما آن چه در عمل دیدیم و میدانستیم و در سند ساواک هم آمده است ارادت و اطاعت ایشان به امام خمینی بود که به سال‌های دهه ۱۳۳۰ میرسید در سندی که به امضای پرویز ثابتی است آمده:

«عبدالحمید مولانا یکی از روحانیون ناراحت و اخلاک‌گرا طرفدار [امام] خمینی در شهرستان قم بود که در فعالیت‌های ضد امنیتی و تحریم طلاب علوم دینی و متعصبین مذهبی به شورش و بلوا دخالت داشته است که بهمین جهت وضعیت او در کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم مطرح شده و در نتیجه طبق رأی کمیسیون مذکور به سه سال اقامت اجباری در تفت یزد محکوم گردیده و روز ۵۲/۵/۲۳ بوسیله مأمورین ژاندارمری کل کشور به منطقه مذکور بدرقه و اعزام گردیده است. علیهذا مراتب جهت آگاهی اعلام می‌گردد».

پس از چند ماه که از اقامت ایشان گذشته بود، دچار بیماری می‌شوند. و این فشار روحی، آب و هوای منطقه [موجب] محرومیت از هر گونه فعالیت فکری، علمی، تدریس، منبر ... بود.

در این که در برخی اسناد بافت کرمان. رفسنجان آمده است آرشام ریاست ساواک کرمان می‌نویسد: «بر اساس تحقیقات تکمیلی عبدالحمید مولانا طبق رأی کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم به شهرستان بافق یزد تبعید که اشتباهاً ابتدا به بافت و سپس به محل اصلی تبعید در بافق اعزام گردید»<sup>۶</sup> در این مدت ملاقات‌های خصوصی و ارتباط با آیت‌الله شهید محمد صدوقی داشتند. گرچه این ارتباطات توسط افراد متدین، مؤمن، مطمئن صورت می‌گرفت اما بعضاً ساواک بدلیل داشتن منابع و افراد کارآموده متوجه می‌شد.

مرحوم مولانا در تبعید اول دچار بیماری شدید شدند که منجر به بستری شدن در بیمارستان گردید. در سال ۱۳۵۳ وزارت دادگستری طی نامه‌ای به ریاست ساواک می‌نویسد: «طبق کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان قم باستناد ماده ۵ قانون ضبط امنیت اجتماعی، وی را می‌توان بخشود»<sup>۷</sup> نصیری ریاست کل ساواک در پاسخ به شعبه ۱۵ دادگاه استان مرکزی می‌نویسد «با توجه به سوابق و وضعیت نامبرده بالا، فعلاً یاد شده استحقاق استفاده از بخشودگی را ندارد»<sup>۸</sup> اما بدلیل وضعیت جسمی ایشان به فومن تبعید می‌گردد. ساواک گیلان گزارش می‌دهد: مولانا نامه‌ای به جلالیان کتابفروش قزوین نوشته و از وضعیت تبعید



خود پس از ۱۰ ماه اقامت در تفت و انتقالش به فومن، و ضرورت آمدنش به رشت و فومن و دیدن از وی و دیگر این که دو نفر از اساتید حوزه علمیه بنام‌های شیخ محمد یزدی و حاج شیخ محمد صادق خلخالی<sup>۱۱</sup> در رودبار در

تبعید بسر می‌برند<sup>۱۱</sup> در مدت تبعید ایشان، انتشارات دارالفکر تعطیل بود و این بدستور ساواک صورت گرفت. حتی منزل ایشان طبق گفته فرزندش آقا مهدی مورد یورش قرار گرفت و فرزند کوچک ایشان از ترس دچار لکنت زبان و پس از سه روز فوت می‌کند! مرحوم مولانا در زمان تبعید علیرغم فشار و شدت و سلطه ساواک به فعالیت پنهانی می‌پردازد. تدریس علوم اسلامی، ارتباط با افراد متدین و انقلابی منطقه، رفت و آمد طلاب و دیدن‌ها و صحبت‌های مخفی در میان اسناد ساواک بعضاً دیده می‌شود و نامه‌ای از ایشان به ریاست دادگاه استان مرکز وجود دارد. اما متن نامه با تایپ ساواک صورت گرفته و مسلماً اصل نامه را ساواک به دادگاه نداده است ایشان در این نامه (مسلماً ناقص و نارسا) از وضعیت خود در تفت، بیماری که به پزشک مراجعه نموده، مشکلات زندگی خصوصاً انتشارات که دارای مطالبات و بدهی هستند، اعتراض نموده است.<sup>۱۲</sup>

اما آن چه در این اسناد در مورد کتب منتشر شده یا پخش از طرف انتشارات دارالفکر آمده است، چند سند می‌باشد:

انتشارات دارالفکر هم چون برخی از کتابفروشی‌ها و انتشارات اسلامی در چاپ، پخش کتب، اعلامیه، ارتباط گیری با افراد مبارز بصورت «مرکز» و «پاتوق» بود. خصوصاً هنگامی که ساواک حساسیت پیدا می‌کرد یا توسط منابع خود زیر نظر می‌گرفت یا با تعقیب، مراقبت، مواظبت، پیگیری ... سعی می‌نمود به نوع فعالیت اطلاع و شخص را دستگیر نماید. از جمله دارالفکر بود که علاوه بر چاپ و پخش کتب امام خمینی ... کتب مضره دکتر علی شریعتی را از تهران و سایر شهرستان‌ها تهیه و فقط در اختیار روحانیون در قم قرار می‌دهد. «این مربوط به سال ۱۳۵۲ می‌باشد» در ادامه همین سند آمده است با توجه به این که شخص موصوف با روحانیون افراطی و سابقه‌دار نیز روابطی دارد.<sup>۱۳</sup>

نخستین کتاب «دادگستر جهان» نوشته آیت‌الله ابراهیم امینی که ایشان در یزد توسط روحانیون منطقه پخش می‌کرد که کتاب پیرامون شخصیت امام زمان (ع) می‌باشد<sup>۱۴</sup>. سند دیگر که باز برای ساواک به عنوان یک گزارش مهم بود به امضای پرویز ثابتی مدیرکل اداره سَوم می‌باشد که به اداره کل قم فرستاده شد. در این نامه ثابتی به ساواک قم می‌نویسد:

«برابر اطلاع واصله صاحب کتابفروشی مولانا، از افراطیون مذهبی و طرفدار [امام] خمینی است که رابط

بین احمد خمینی و عده‌ای از روحانیون افراطی می‌باشد. خواهشمند است دستور فرمایید صاحب کتابفروشی مزبور را شناسایی نموده و پیرامون چگونگی فعالیت‌های احتمالی مشارالیه بنفع [امام] خمینی تحقیق به عمل آورده و نتیجه را باین اداره کل منعکس نمائید<sup>۱۵</sup>.

در سندی دیگر پیرامون فعالیت دارالفکر آمده است:  
ساواک قم اعلام داشته چون گزارش‌های واصله حاکی بود که مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر در قم مبادرت به فروش کتب مضره می‌نماید لذا روز ۴۷/۳/۸ مؤسسه مزبور بازرسی گردید و تعدادی کتب مضره بدست آمده که در ساواک محل نگهداری می‌شود.

ساواک مذکور اضافه نموده دو نمونه کتاب تحت عنوان (حاشیه آیت‌الله خمینی بر عروة الوثقی) و (تهذیب الاصول) که شخصی بنام شیخ جعفر سبحانی تبریزی [حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ جعفر سبحانی تبریزی] در جلسات درس آیت‌الله خمینی فرا گرفته و بصورت کتاب چاپ کرده از مؤسسه دارالفکر کشف شده و در پایان نظریه مرکز را درباره استرداد آن‌ها که تعدادشان زیاد است استعلام نموده است.

با عرض این که دو کتاب موصوف صرفاً درباره مسائل مذهبی است و فقط روی جلد آن‌ها بنام آیت‌الله خمینی درج شده مراتب جهت صدور اوامر مقتضی معروض گردید<sup>۱۶</sup> در یک گزارش دیگر ۸ عنوان کتاب که بین ۱- تا ۱۳ نسخه توسط ساواک پس از بازرسی گرفته شده است، آمده:<sup>۱۷</sup>

- |                                 |                          |
|---------------------------------|--------------------------|
| ۱- شیعه و زمامداران خودسر       | ۵ جلد <sup>۱۸</sup>      |
| ۲- اسلام و صلح جهانی            | ۳ جلد <sup>۱۹</sup>      |
| ۳- زردهای سرخ                   | ۸ جلد <sup>۲۰</sup>      |
| ۴- خواسته‌های بشر               | ۱ جلد <sup>۲۱</sup>      |
| ۵- توضیح المسائل [امام] خمینی   | ۱۳ جلد <sup>۲۲</sup>     |
| ۶- دنیا در خطر سقوط است         | ۱ جلد <sup>۲۳</sup>      |
| ۷- تهذیب الاصول [امام] خمینی    | تعداد زیاد <sup>۲۴</sup> |
| ۸- تعلیقه بر عروه الوثقی [امام] | تعداد زیاد <sup>۲۵</sup> |
- بار دیگر در سال ۴۷ دارالفکر مورد یورش ساواک قرار می‌گیرد و .. کتب مضره‌ای طبق صورت بدست آمده!!

مأمور ساواک هفته بعد اعلام می‌کند .. تردیدی نبود که صاحب کتابخانه [کتابفروشی] نسبت به مخفی نگاهداشتن مابقی آن کتب اقداماتی معمول می‌داشت و احتمالاً مقدار زیادی از آن‌ها را پنهان می‌نمود که بهمین علت پیشگیری و کلیه آن‌ها ضبط شد.<sup>۲۶</sup>

۱۳۵۳

حجت الاسلام مولانا در ۱۳/۹/۱۳۵۳ از زندان و تبعید آزاد و به قم مراجعت می‌نماید، با احیای کتابفروشی و انتشارات می‌پردازد. یکی از منابع ساواک گزارش میدهد:

مولانا یک کتابفروشی در خیابان ارم دارد با توجه به دستگیری‌های پاره‌ای از روحانیون که با او در



ارتباط بوده‌اند، پس از ترخیص از زندان مجدداً کتب دکتر علی شریعتی را توسط هم‌فکران خود در تهران و قم تهیه و فقط در اختیار روحانیون قرار می‌دهد.

علیهذا با توجه به مراتب فوق تصویب بفرماتید موضوع به ساواک قم اعلام تا مراقبت‌های لازم بعمل آورند. ضمناً اوراق مربوطه به پیوست تقدیم می‌گردد.<sup>۱</sup>

و آن چه از چشم ساواک پنهان بود، بخش اعلامیه، کتب حضرت امام و دیگر کتب ممنوعه بوده. خصوصاً آن بخش از کتاب‌های خاصی که در سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۷ بصورت مخفی چاپ، تجدید چاپ و توسط افراد مطمئن فرستاده می‌شد. و این را فقط دوستان و همکاران خاص الخاص میدانستند.

درست در همین سال‌ها هم مرحوم مولانا فعال بود. فقط این بار به دقت و مواظبت بیشتر!

که هم خودش نقل می‌کرد و هم در اسناد آمده است.

### تدریس در تبعید

حجت‌الاسلام پس از انتقال از یزد به فومن، علیرغم مواظبت و دقت ساواک گیلان فعالیت خود را آغاز می‌کرد.

در خرداد [سال] ۱۳۵۳ گزارشی به ریاست ساواک تهران ارسال می‌شود که اطلاعات واصله از طریق منابع و همکاران مورد نظر حاکی بود که نامبرده بالا در جلسه در محل مدرسه مذهبی قائمیه شهرستان فومن که مکان درس طلاب علوم دینی می‌باشد جهت تدریس حاضر و به طلاب قسمتی از درس مربوطه را آموخته است در تحقیقات معموله موضوع مورد تأیید قرار گرفت لذا مشارالیه ساواک اعضای، ضمن تذکر شدیدی بوی یادآور گردید در صورت تکرار عمل فوق و یا استفاده از مخبر عواقب وخیمی در انتظار وی خواهد بود.

با عرض مراتب فوق باستحضار میرساند در زمینه مراقبت از اعمال و رفتار یاد شده بالا آموزش‌های لازم به منابع و سایر همکارانی که بوی دسترسی دارند داده شده و اخبار مکتسبه بعدی در این مورد و به موقع اعلام خواهد شد.<sup>۲</sup>

مرحوم مولانا پس از آزادی به فعالیت خود ادامه داده با آن که میدانست ساواک او را تعقیب می‌کند، دست از فعالیت برداشت. مأمور ویژه گزارش می‌دهد:

عبدالرحیم ربانی شیرازی با منزل عبدالحمید مولانا تماس می‌گیرد و چون وی منزل نبوده شخص دیگری تلفن را برمی‌دارد و عبدالرحیم ربانی می‌گوید بنا بود آقای مولانا آدرس یکی از دوستان خود بنام

۱- گزارش فوق توسط پرویز ثابتی با خط وی به قم فرستاده شده است ۵۳/۹/۱۳.

۲- سند ۵۳/۳/۲۱

نکوئی که انتشارات قائم در اصفهان به نام وی می‌باشد بمن بدهد. رئیس بخش مربوط در مورد انتشارات قائم می‌نویسد: مراقبت از انتشارات قائم و نکوئی به وسیله سازمان اصفهان ضروری بوده شاید منتج به سرنخی گردد. سپس در مورد آیت‌الله ربانی شیرازی در همین سند آمده است: از جمله روحانیون طرفدار [امام] خمینی است که سوابق وی در ستاد موجود است و اخیراً از زندان مرخص شده و احتمال فعالیت‌های سیاسی از ناحیه وی بعید بنظر نمی‌رسد. لذا اصلاح است چگونگی تماس وی با انتشارات قائم اصفهان از طریق سازمان مربوطه مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد.<sup>۲۷</sup> بدون تردید نه تنها آیت‌الله ربانی شیرازی و حجت‌الاسلام عبدالحمید مولانا پس از تحمل زندان، تبعید، مبارزه خود ادامه میداند که تمامی مبارزان مسلمان از این طیف بودند و کارنامه‌ی درخشان مبارزان نشان داد که دستگیری، زندان، شکنجه، تبعید نه تنها آن‌ها را از حرکت باز نداشت که در تصمیم خود مصمم‌تر حرکت می‌نمودند. خوشبختانه در دهه گذشته بیش از ۴۰ عنوان کتاب اسناد یاران امام خمینی چاپ شده امید است این مرکز در ادامه کارش بیش از پیش موفق باشد.

### ممنوع‌المنبر شدن

ساواک در آذر ۱۳۵۶ طی یک گزارش ۵ صفحه‌ای تعدادی از وعاظ و علمای قم و شهرهای مختلف را ممنوع‌المنبر نمود. نصیری طی یک لیست به ریاست شهربانی کشور جهت آگاهی و اقدام ارسال داشت. در میان دهها شخصیت می‌توان از حضرات آیات آقاییان:

ابوالقاسم خزعلی، حسن صانعی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، میرزا علی مشکینی، محمدمهدی ربانی املشی، جثنی، تعمیر کار ایلامی، محمدعلی گرامی قمی، صادق خلخالی، محفوظی، معادیخواه، محمد یزدی، ... و بیست و دومین شخصیت عبدالحمید مولانا می‌باشد.<sup>۲۸</sup>

ساواک یزد گزارش میدهد:

عبدالحمید مولانا اغلب از تفت ییزد آمده به منزل شیخ محمد صدوقی مدرس حوزه علمیه یزد می‌رود. و صدوقی به فرمانده منطقه ژاندارمری یزد توصیه نموده که موافقت نماید مولانا از تفت به یزد منتقل گردد.

شخص مزبور در اواخر شهریور ماه جاری که فخرالدین حجازی و شیخ محمد حکمت (روحانیون غیر یزدی) در این شهرستان بسر می‌برده و از منبر استفاده می‌کرده‌اند، در مجالس وعظ آنان شرکت و به طوری که مسموع است فخرالدین حجازی مبلغ / ۵۰۰۰ ریال به عنوان کمک به مولانا پرداخته است [شاید مبلغ پیش از آن باشد که حجازی تقدیم ایشان می‌کرده است]. ضمناً شخص مورد نظر تعدادی کتاب بنام «دادگستر جهان» در اختیار دارد که توسط پاره‌ای از طلاب و روحانیون یزد به فروش می‌رسد. مراقبت از شخص منظور ادامه دارد و نتایج حاصله مستمراً به استحضار خواهد رسید.



گوشه‌ای از نامه:

در میان اسناد، ساواک گزارش می‌دهد متأسفانه اصل نامه وجود ندارد. نامه از آیت‌الله صادق خلخالی به حجت‌الاسلام عبدالحمید مولانا است که از انارک نائین (دوران تبعید) به مرحوم مولانا نوشته است در نامه آمده است:

با مطالعه کتاب خود را مشغول نمائید حوصله‌تان سر نرود. یک قدری گله و شکوه را کم نمائید. یعقوب‌وار شکایت و گله در دل باشد بهتر اثر می‌کند. باز هم می‌گویم صبر و بردباری داشته باشید امکان دیدار برای بنده که نیامده و برای وکیل هم نمی‌دانم.

آمدن یا نیامده تقریباً یکسان است و چندان تأثیری ندارد. اگر ممکن است وکیل را عزل کنید شاید برای شما اعضای بیاید.

اما تمام این گرفتاری‌ها، مصائب برای مرحوم مولانا عادی و قابل تحمل بود. خصوصاً ایشان که نسبت به امام ارادت و خود از فرهیختگان بودند. همواره وقتی جمعیت از حوزه علمیه، وضع تبلیغ می‌شد از «سکوت» حوزه و عدم «پاسخ گوئی» به نسل جوان شکایت داشت. و علی‌رغم این که نشر کتاب به نسبت عظمت حوزه و ضرورت جامعه ناچیز است. وظیفه روحانیت پاسخ به نیاز زمان بود و حتی به آقای حجازی میرسید از این که ایشان برای مبلغان اسلامی میدانست.

محدودیت سرمایه. اعدام امکانات برای چاپ کتاب، عدم همکاری و وحدت میان ناشران نیز از جمله انتقادات ایشان می‌بود.

گر چه بعد از پیروزی انقلاب توانست به توسعه کارش بپردازد و در کتاب انتشارات دارالفکر جامعه مدرسین و مراکز فرهنگی همکاری کند تا حدی احساس می‌کرد به اهدافش دست یافته و زمینه را مناسب برای کار میدانست.

### کتاب منتشر شده قبل از انقلاب اسلامی انسانی و مطالعات فزینجی

- ۱- حاشیه عروة الوثقی، آیت‌الله خمینی [امام خمینی].
- ۲- حماسه خورشید، هادی دستباز. *سال جامع علوم انسانی*
- ۳- حماسه شهیدان، ۲ جلد، هادی دستباز.
- ۳- دادگستر جهان، آیت‌الله حاج شیخ ابراهیم امینی.
- ۴- جلوه حق، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
- ۵- همه می‌خواهند بدانند، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
- ۶- وحی یا شعور مرموز، علامه سید محمدحسین طباطبایی.
- ۷- فاطمه (س) برترین بانو، علامه سید شرف‌الدین جبل عاملی.
- ۸- تاریخ قم، ناصرالشریعه.
- ۹- هزار و یک دلیل، سید محمد شیرازی.

- در نقد جریان ماتریالیسم - مارکسیسم - کمونیسم:
- ۱۰- فردو جامعه؛ ترجمه مهدی قائنی.
  - ۱۱- دعا از نظر دانشمندان؛ ترجمه مهدی قائنی.
  - ۱۲- مذهب در آزمایش‌ها؛ ترجمه مهدی قائنی.
  - ۱۳- مذهب و سیاست؛ ترجمه مهدی قائنی.
  - ۱۴- دورویی مارکسیست‌ها؛ ترجمه مهدی قائنی.
  - ۱۴- چهارده داستان؛ حجت‌الاسلام علی حجتی کرمانی.
  - ۱۵- اسلام و مسائل اجتماعی؛ آیت‌الله سید حسن طاهری.
  - ۱۶- اصول دین برای همه؛ آیت‌الله رضا استادی.
  - ۱۷- شرح حال سید جمال‌الدین اسدآبادی لطف‌الله اسدآبادی.
  - ۱۸- ارمان خانقاه؛ رهبر اصفهانی.
  - ۱۹- گمشده شما؛ آیت‌الله محمد یزدی.
  - ۲۰- نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق و نقش علماء مجاهدین اسلام؛ محمد صادقی تهرانی؛ قم؛ دارالفکر ۱۳۵۷؛ رقی؛ ۸۰ ملی؛ ۱۳۴ ص
  - ۲۱- نقش روحانیت در اسلام؛ از سخنان امام خمینی؛ ۱۳۵۸.
  - آوای انقلاب، برگزیده نامه‌ها، اعلامیه‌ها، نطق‌های روشنی‌بخش و انقلاب آفرین امام خمینی.
  - ۲۲- دین و روان؛ ویلیام جیمز؛ ترجمه مهدی قائنی.
  - گمشده شما؛ آیت‌الله محمد یزدی؛
  - ۲۳- کتاب ۱۴ داستان حجت‌الاسلام حجتی کرمانی در سال ۱۳۵۱ بچاپ رسید. اهداء کتاب را مؤلف به:
- «برادر رشید و دانشمند محمد جواد حجتی کرمانی» که در آن روزگاران زندان بودند، نمودند در مدت کوتاه کتاب به چاپ پنجم رسید. در مقدمه این چاپ مؤلف می‌نویسد:
- «در قبال انتشار آن همه کتب و نشریات زهرآگین و شهوت‌آلود و مبتذل که اجتماع ما بویژه نسل جوان را با بحران‌ها سرگردانی‌ها، آلودگی‌ها و مفاسد اجتماعی و نابسامانی‌های اجتماعی روبرو ساخته، تجدید چاپ مکرر کتاب‌هایی چون «چهارده داستان» که قصه‌های آن بنیادی انسانی و اخلاقی دارد و هدفی در مسیر شناخت واقعیات ملموس، ناشی از عشق فراوان گروهها نسبت به فهم و درک حقایق می‌باشد و برای افرادی که مایوسانه از انحطاط و سقوط جامعه در می‌زنند، خود عبری و هشدار می‌است...».
- این در حالی است که نویسنده چند بار به ساواک احضار و در اوائل دهه ۱۳۵۰ دستگیر و تبعید به کرمانشاه و ایلام می‌شود.
- و ناشر به دلایل متعددی که در چاپ، نشر، پخش کتب اسلامی دانسته، دستگیر و پس از مدتی زندانی تبعید می‌گردد.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- رجوع شود به: آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی بروایت اسناد ساواک / تهران / مرکز اسناد تاریخی.
- ۲- تاریخ سند ۵۲/۶/۷ از ساواک کرمان دوران ریاست چهره‌منفور و مناطق آرشام به ساواک تهران است.
- ۳- سند مورخ ۵۲/۶/۲۸.
- ۴- سند ۵۲/۸/۲۶.
- ۵- سند ۵۲/۸/۲۰.
- ۶- ۵۲/۹/۴.
- ۷- ۵۲/۹/۲۶.
- ۸- سند ۵۳/۴/۵.
- ۹- سند ۵۳/۴/۲۴.
- ۱۰- مقصود آیت‌الله حاج شیخ صادق خلخالی است.
- ۱۱- سند مورخ ۱۳۵۳/۵/۱.
- ۱۲- تاریخ نامه ۵۳/۳/۱۲ ثبت شده است.
- ۱۳- سند ۵۲/۶/۳۱.
- ۱۴- سند ۵۲/۷/۱۶.
- ۱۵- سند ۵۲/۵/۶.
- ۱۶- سند ۴۷/۳/۲۲.
- ۱۷- سند مزبور فاقد تاریخ است.
- ۱۸- شیعه و زمامداران خودسر، محمد جواد مغینه از علمای لبنان، ترجمه حجت‌الاسلام مصطفی زمانی، تهران، انتشارات محمدی.
- ۱۹- اسلام و صلح جهانی، سید قطب، ترجمه حجت‌الاسلام سید هادی خسروشاهی، حجت‌الاسلام زین‌العابدین قربانی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۲۰- زردهای سرخ، تهران، عطائی.
- ۲۱- خواسته‌های بشر.
- ۲۲- توضیح المسائل امام خمینی که بصورت مخفیانه توسط ناشران مختلف در سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۵۷ در ایران منتشر و گاهی چاپ نجف اشرف به ایران می‌رسید.
- ۲۳- با ضعف مسلمین دنیا در خطر سقوط است، ابوالحسن الندوی، ترجمه حجت‌الاسلام مصطفی زمانی.
- ۲۴- تهذیب الاصول، سلسله دروس حضرت امام خمینی.
- ۲۵- تعلیفه عروة‌الوثقی امام خمینی.
- ۲۵/۲- سند ۴۷/۳/۱۸.
- ۲۶- سند ۴۷/۳/۱۹.
- ۲۷- سند ۱۳۵۶/۵/۱.
- ۲۸- سند ۱۳۵۶/۹.